

بازگشت حضرت امام خمینی(ره) به ایران و آغاز دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی گرامی باد.

روابط عمومی

معجزه قرندر تفسیر درست و تبیین آگاهانه انقلاب اسلامی ایران و تحولاتی که جهان معاصر را با آن روبه رو کرد، تنها واژه معجزه می تواند بازتاب صحیح حقیقت باشد. این واقعیتی بود که پیر بیدار انقلاب، امام راحل رحمه الله بارها بر آن تأکید ورزید: «یک تحول روحی در جامعه پیدا شد که من غیر از آنکه بگویم یک معجزه بود، یک اراده الهی بود؛ نمی توانم اسم دیگری رویش بگذارم.» باز می فرماید: «اینجا حساب الهی است. اینجا دست خداست. اشخاص نمی توانند یک همچو قدرتی ایجاد کنند... این اراده الهی است که تمام حساب های حساب گران مادی را باطل کرد.» آفاق روشن نهضت امام و ایران تا آنجا پرتو گسترده حتی بسیاری از شخصیت های غیرمسلمان نیز با تأیید ننگجیدن جریان انقلاب اسلامی در چارچوب محاسبات مادی، به اعجاز آن اعتراف کردند. رابرت کالتسون، دانشمند کانادایی در این باره می گوید: «از نظر من که یک غربی و فرد غیر مسلمان هستم، این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این طور تحقق پیدا کرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود. این انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می شود.» **انقلاب خمینی رحمه الله** انقلاب اسلامی ایران، بی نام ناخدای مآنوس با ملکوتش، در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. ظهور و حضور پیامبرگونه امام، نوید امن و ایمان بود در عصری که داشت به «غیبت خدا» خو می گرفت. فریاد ستم ستیز امام سبب شد تا امت های اسلامی به شور آیند و رستاخیزی پیش از رستاخیز را تجربت کنند و چنین بود که بی درنگ، پس از آغاز حرکت انبیایی امام، نه فقط در کشورهای اسلامی، بلکه در تمامی سرزمین هایی که نام و یادی از خدا هنوز باقی بود، حرکت های پیایی و عظیم پدید آمد که هدف اصلی این توفان ها، درهم شکستن بت های کفر و شرک در عرصه زمین و حرکت به نام خدا در گستره زمان بود. جهان، شخصیت های برجسته مبارز و رهبران سیاسی بسیاری به خود دیده است، ولی آنچه کار امام و انقلاب ایران را شکوهی جاودانه بخشید، آن است که شخصیتی الهی، آغازگر انقلاب اسلامی در قرن بیستم بود. او انسان ها را به سمت و سوی ارزش ها رهنمون شد و به خوبی توانست حکمت را با سیاست در هم آمیزد. راز شگرف رهبری امام را باید در اصالت اندیشه ها، صلابت رأی و صداقت بی شایبه اش با مردم جست وجو کرد. **دکترین سیاسی امام خمینی رحمه الله** برای شناخت انقلاب اسلامی ایران و تفاوت های آشکاری که این نهضت با دیگر خیزش های مردمی در قرن حاضر داشته است، باید پیش از همه به پیوند جدایی ناپذیر انقلاب اسلامی و رهبر بزرگ آن امام خمینی رحمه الله توجه کرد. به اعتراف بسیاری از تحلیل گران مسائل سیاسی و اجتماعی، امام در تعریف و تعیین اهداف انقلاب اسلامی، رهبری مبارزه، روبرویی با قدرت های افزون طلب و حفظ دستاوردهای نهضت، دارای دکترین سیاسی ویژه و منحصر به فردی بود. دکترین سیاسی امام، بر پایه مبانی استوار و خدشه ناپذیری چون اعتقاد عمیق به غیب و امداد های غیبی، ایمان خلل ناپذیر به آموزه های اسلام، اتکا و توکل بر قدرت بی کران الهی و تکلیف مداری مطلق قرار داشت؛ چیزی که غربیان از شناخت آن ناتوان مانده بودند. امام خمینی رحمه الله با بهره گیری از اندیشه نو و ریشه دار الهی خود، نه تنها به سرنگونی رژیم قدرتمند پهلوی توفیق یافت، بلکه توانست با عرضه تفکری ناب و فرهنگی کاملاً دینی، آموزه های مکتب های مادی غرب را نیز به چالش بکشد. **انقلاب و تجدید حیات دینی انسان معاصر** بی تردید، نهضت بزرگ ملت ایران را با بیدارباشی که به بشر غفلت زده از فطرت داد و شکوهی که از قدرت دین باوری جلوه گر ساخت، می توان سرآغاز عصر جدیدی در حیات بشری دانست؛ چنان که مقام معظم رهبری فرمود: «انقلاب اسلامی، هویت اسلامی را در دنیای اسلام و هویت معنوی را در کل جهان زنده کرد.» شهید سید مرتضی آوینی نیز معتقد بود تجدید حیات معنوی و دینی بشر با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است و بدین روی، دهه شصت را باید اولین دهه از این تجدید عهد دانست. پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش نیز گفته است: «اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در جهان معاصر در نظر بگیریم، آن تاریخ 1979 میلادی است؛ یعنی هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است.» انقلاب و قدرت نمایی خیره کننده اسلام انقلاب اسلامی در یکی از حساس ترین نقاط گیتی همچون زلزله ای پیش بینی ناپذیر، اردوگاه آرام و بی دغدغه استکبار جهانی را به شدت به لرزه درآورد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای نخستین بار، یک کشور مسلمان به گونه ای موفقیت آمیز، قدرت های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آنها را تحقیر کرد و به منافع مادی شان خسارت رساند. این پیروزی شکوه مند، خواب خوش تحلیل گران و نظریه پردازانی که افول ادیان الهی را امری آشکار می دانستند، آشفته کرد و انبوه نظریه های آنان را بی اعتبار ساخت. دکتر میشل جانسون، کارشناس روابط بین الملل در این باره گفته است: «از نظر نمادین، انقلاب ایران، نخستین پیروزی مسلمانان بر غرب، از قرن شانزده میلادی به این سو شمرده می شود. نکته اینجاست که اسلام، عامل هدایت کننده این انقلاب بود و هیچ یک از ایسم های غربی ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم در آن نقشی نداشتند.» قدرت های بزرگ غربی در روبرویی با عظمت های بی بدیلی که امام و انقلاب آفریدند، با استعداد پنهان و توانایی گسترده اسلام آشنا شدند.